Original Article Open Access

The Iranian Association of Medical Law

Medical Law Journal

2026; 20: e37

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

Institute of Bioethics and Health Law

Legal Foundations, Challenges, and Solutions for the Imposition of Emergency Restrictions During Pandemics: A Comparative Study of BRICS Member States

Keyvan Sedaghati[1*], Mahdi Shafiee[2], Ehsan Aghamohammadaghaee[2]

1. Department of Public Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Public Law, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Widespread pandemics, such as COVID-19, have compelled governments to impose emergency restrictions, including quarantine, restrictions on freedom of movement, and public health surveillance measures. Despite their necessity for the protection of public health, such measures may raise serious questions concerning their legitimacy, the scope of governmental powers, the principle of proportionality, and the protection of citizens' fundamental rights and freedoms. The central question addressed by this study is the extent to which the legal frameworks of BRICS member states (Brazil, Russia, India, China, and South Africa) have succeeded in striking a balance between public health imperatives and the protection of human rights, as well as identifying their principal gaps and challenges. The novelty of this research lies in its comparative analysis of emergency legislation, executive policies, and oversight mechanisms in these countries, identifying common patterns and significant differences in the regulation of emergency restrictions. This analysis may contribute to developing a balanced model for managing public health crises in accordance with human rights principles.

Method: This study employs a descriptive-analytical method and a comparative approach to examine legal instruments, emergency regulations, judicial practice, and the practical experience of pandemic management in the countries under study.

Ethical Considerations: The principles of academic integrity and textual originality were observed throughout all stages of writing.

Results: The findings indicate that although most BRICS countries have established legal foundations for responding to crises, they face practical challenges, including the absence of clear criteria for declaring and terminating a state of emergency, weak legislative and judicial oversight, ambiguity regarding the scope of governmental powers, the disproportionate nature of certain restrictions, and deficiencies in transparency and accountability.

Conclusion: Strengthening judicial oversight, establishing clear criteria for necessity and proportionality, providing effective safeguards for the protection of citizens' rights, and setting precise time limits for states of emergency are among the most important reform measures.

Keywords: BRICS; Restrictions; Quarantine; Pandemic; Privacy; State of Emergency

Corresponding Author: Keyvan Sedaghati; **Email:** keyvan.sedaghati@iau.ac.ir

Received: Febryary 21, 2026; **Accepted:** June 18, 2026; **Published Online:** November 15, 2026

Please cite this article as:

Sedaghati K, Shafiee M, Aghamohammadaghaee E. Legal Foundations, Challenges, and Solutions for the Imposition of Emergency Restrictions During Pandemics: A Comparative Study of BRICS Member States. Medical Law Journal. 2026; 20: e37.

Copyright©2026, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق پزشکی

دوره بیستم، ۱۴۰۵

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

مبانی، چالش‌ها و راهکارهای حقوقی اعمال محدودیت‌های اضطراری در دوران همه‌گیری: مطالعه تطبیقی کشورهای عضو بریکس

کیوان صداقتی[1*]، مهدی شفیعی[2]، احسان آقامحمدآقایی[2]

۱. گروه حقوق عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: همه‌گیری‌های گسترده‌ای مانند کووید-۱۹ دولت‌ها را ناگزیر از اعمال محدودیت‌های اضطراری نظیر قرنطینه، محدودیت رفت و آمد و نظارت‌های بهداشتی کرد. این اقدامات، با وجود ضرورت برای حفظ سلامت عمومی، می‌توانند پرسش‌های جدی درباره مشروعیت، حدود اختیار دولت، اصل تناسب و حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان ایجاد کنند. مسأله اصلی این پژوهش آن است که چهارچوب‌های حقوقی کشورهای عضو بریکس [برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی] تا چه حد توانسته‌اند میان الزامات بهداشت عمومی و تضمین حقوق بشر تعادل برقرار کنند و مهم‌ترین خلأها و چالش‌های آن‌ها چیست. نوآوری تحقیق حاضر، ارائه تحلیلی تطبیقی از قوانین اضطراری، سیاست‌های اجرایی و سازوکارهای نظارتی در این کشورها و شناسایی الگوهای مشترک و تفاوت‌های معنادار در تنظیم محدودیت‌های اضطراری است؛ تحلیلی که می‌تواند به تدوین مدلی متوازن برای مدیریت بحران‌های بهداشتی در پرتو حقوق بشر کمک کند.

روش: این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی، اسناد حقوقی، مقررات اضطراری، رویه‌های قضایی و تجربه اجرایی مدیریت همه‌گیری در کشورهای مورد مطالعه را بررسی کرده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش، اصول امانتداری علمی و اصالت متون رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه اکثر کشورهای بریکس مبانی قانونی مقابله با بحران را در اختیار دارند، اما در عمل با چالش‌هایی چون فقدان معیارهای شفاف برای اعلام و پایان وضعیت اضطراری، ضعف نظارت تقنینی و قضایی، ابهام در حدود اختیارات، عدم تناسب برخی محدودیت‌ها و کمبود شفافیت و پاسخگویی مواجه‌اند.

نتیجه‌گیری: نتیجه آنکه تقویت نظارت قضایی، تعیین معیارهای روشن ضرورت و تناسب، پیش‌بینی ضمانت‌های مؤثر برای حمایت از حقوق شهروندان و زمان‌بندی دقیق وضعیت اضطراری از مهم‌ترین راهکارهای اصلاحی است..

واژگان کلیدی: بریکس؛ محدودیت؛ قرنطینه؛ پاندمی؛ حریم خصوصی؛ وضعیت اضطراری

نویسنده مسئول: کیوان صداقتی؛ **پست الکترونیک:** keyvan.sedaghati@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۳/۲۸؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۸/۲۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sedaghati K, Shafiee M, Aghamohammadaghaee E. Legal Foundations, Challenges, and Solutions for the Imposition of Emergency Restrictions During Pandemics: A Comparative Study of BRICS Member States. Medical Law Journal. 2026; 20: e37.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

مقدمه

همه‌گیری کووید-۱۹ یکی از بزرگ‌ترین آزمون‌های معاصر برای نظام‌های حقوقی و سیاسی جهان بود؛ بحرانی که دولت‌ها را ناگزیر ساخت برای حفظ سلامت عمومی به ابزارهای اضطراری متوسل شوند. اعمال قرنطینه‌های گسترده، محدودیت در رفت و آمد، تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی و حتی استفاده از ابزارهای نظارتی دیجیتال برای ردیابی افراد مبتلا، نمونه‌هایی از اقداماتی بود که در بسیاری از کشورها به اجرا درآمد. این اقدامات، اگرچه با هدف کنترل بحران بهداشتی صورت گرفت، اما در عمل به تعلیق یا محدودسازی گسترده برخی از حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان، از جمله آزادی رفت و آمد، آزادی تجمع، حریم خصوصی و در مواردی آزادی‌های اقتصادی انجامید. در نتیجه، همه‌گیری کووید-۱۹ نه‌تنها یک بحران بهداشتی، بلکه به نوعی آزمونی بنیادین برای نسبت میان اقتدار دولت و تضمین حقوق اساسی در شرایط اضطراری به شمار می‌آید.

چالش اساسی در این میان آن است که هرچند نظام‌های حقوقی مختلف امکان اعمال محدودیت‌های اضطراری را در شرایط استثنایی پیش‌بینی کرده‌اند، اما حدود مشروعیت این محدودیت‌ها، معیارهای ضرورت و تناسب آن‌ها و سازوکارهای نظارتی برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت دولتی همواره محل مناقشه بوده است. تجربه همه‌گیری نشان داد که در بسیاری از کشورها مرز میان ضرورت‌های بهداشت عمومی و نقض ناموجه حقوق بنیادین به روشنی تعریف نشده و سازوکارهای کنترل و پاسخگویی نیز در مواردی با ضعف یا ابهام مواجه بوده‌اند.

در این چهارچوب، کشورهای عضو بریکس [برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی] به دلیل تنوع ساختارهای سیاسی و حقوقی، جمعیت گسترده و نقش فزاینده در نظم جهانی، نمونه‌ای قابل توجه برای بررسی تطبیقی نحوه مواجهه نظام‌های حقوقی با محدودیت‌های اضطراری در دوران همه‌گیری به شمار می‌آیند. مطالعه تجربه این کشورها می‌تواند نشان دهد که چگونه نظام‌های حقوقی متفاوت تلاش کرده‌اند، میان ضرورت‌های فوری سلامت عمومی و الزامات حمایت از حقوق بنیادین تعادل برقرار کنند و در عین حال چه خلأها و چالش‌هایی در این مسیر وجود داشته است. از این رو، مسأله اصلی این پژوهش بررسی حدود حقوقی مشروعیت تعلیق یا محدودسازی حقوق بنیادین در دوران همه‌گیری و تحلیل سازوکارهای کنترل و نظارت بر این اقدامات در نظام‌های حقوقی کشورهای عضو بریکس است؛ امری که می‌تواند به شناسایی کاستی‌ها و ارائه راهکارهایی برای تقویت چهارچوب‌های حقوقی مدیریت بحران‌های مشابه در آینده کمک کند.

روش

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی، اسناد حقوقی، قوانین اضطراری، رویه‌های قضایی و سیاست‌های اجرایی مرتبط با مدیریت همه‌گیری در کشورهای مورد مطالعه را بررسی کرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه اکثر کشورهای بریکس سازوکارهای قانونی برای مقابله با بحران‌های بهداشتی دارند، اما در بسیاری از موارد این سازوکارها با چالش‌هایی همچون عدم تناسب محدودیت‌ها، فقدان معیارهای زمانی مشخص برای پایان وضعیت اضطراری و ضعف شفافیت و پاسخگویی مواجه‌اند. بر این اساس، تقویت نظارت قضایی، تعیین معیارهای روشن برای ضرورت و تناسب محدودیت‌ها و پیش‌بینی تضمین‌های حقوقی برای حمایت از حقوق شهروندان از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای بهبود چهارچوب‌های حقوقی مدیریت بحران‌های بهداشتی در این کشورها به شمار می‌آید.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

بحث

۱. مبانی حقوقی وضع وضعیت اضطراری مطابق قوانین و مقررات کشورهای بریکس: به طور کلی وضعیت اضطراری که در ادبیات حقوقی با نام‌ها و عناوین دیگری، از جمله وضعیت استثنایی یا وضعیت غیر طبیعی نیز شناخته می‌شود، به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن وضعیت اداره امور اجرایی کشور و رویه‌های معمول و مرسوم قانون‌گذاری و اجرای قوانین به سبب بروز برخی مشکلات طبیعی یا غیر طبیعی [انسانی]، دچار وقفه می‌گردد. طبعاً در چنین شرایطی هر نظام حقوقی، بسته به سطح تهدیدها و معضلات موجود به تدابیر و تصمیماتی متوسل می‌گردد تا آن وضعیت اضطراری مدیریت و کنترل شده و کشور از این شرایط عبور کند (۴-۱). شناسایی وضعیت‌های اضطراری و تدابیر خاص عبور از شرایط بحرانی، از جمله وظایف دولت‌ها و حاکمیت‌ها محسوب می‌شود که طبعاً مهم‌ترین بخش متأثر از تصمیم‌گیری‌های معطوف به وضعیت اضطراری نظام حقوقی کشور است، نظام حقوقی با قانون‌گذاری‌های ویژه در تلاش خواهد بود تا جریان معمول و روال عادی زندگی شهروندان دچار رکود نشده و در نتیجه بتوان به نحو مؤثرتر و کارآمدتری، وضعیت حادث را تحت مدیریت درآورد (۷-۵).

صرف نظر از تعدد اصطلاحات مرتبط برای نامگذاری وضعیت اضطراری باید گفت که این واژه را می‌توان به عنوان یک مفهوم کانونی دربرگیرنده اصطلاحات حقوقی گوناگون درباره وضعیت‌های غیر عادی در نظام‌های حقوقی مختلف به شمار آورد. در یک معنای کلی وضعیت اضطراری یک وضعیت استثنایی در نتیجه یک خطر عمومی است و بر این اساس این اصطلاح معرف اجازه کاربرد اختیارات مدیریت بحران را به دولت‌ها می‌دهد (۹-۸).

منشأ ایجاد خطر عمومی یا وضعیت اضطراری می‌تواند طبیعی باشد یا انسانی بر این منوال جنگ یا حمله‌های نظامی، از جمله وضعیت‌های اضطراری با منشأ انسانی و سیل و زلزله، از جمله وضعیت‌های اضطراری با منشأ طبیعی به شمار می‌روند، در ادبیات حقوقی راجع به اصطلاح وضعیت اضطراری منشأ ایجاد وضعیت، چندان مهم و قابل توجه نیست، بلکه آنچه مهم و محل اعتناست آثار بروز این وضعیت و تدابیری است که دولت‌ها و حاکمیت‌ها برای برون‌رفت از این وضعیت برگزیده و به اجرا می‌گذارند (۱۱-۱۰).

بر اساس این تعریف، وضعیت اضطراری که گاهی به آن وضعیت اورژانسی یا فوق‌العاده نیز گفته می‌شود، شرایطی است که با هدف کنترل مخاطرات قریب‌الوقوع، بازگرداندن نظم عمومی، تأمین امنیت، حفظ بهداشت و سلامت و ایجاد آرامش عمومی در یک کشور اعمال می‌شود. چنین وضعیتی معمولاً بر اساس اعلام رسمی دولت تعیین می‌گردد. در این حالت، برخی از عملکردهای عادی قوای مجریه، مقننه، قضاییه و حتی نهادهای غیر دولتی ممکن است به حالت تعلیق درآیند. همچنین اصل حاکمیت قانون نیز دستخوش تغییراتی می‌شود، به گونه‌ای که برای تضمین بقا و حفاظت از دولت در مواجهه با خطر جدی، نادیده‌گرفتن قوانین معمول که عملکرد دولت را تنظیم می‌کنند، امکان‌پذیر می‌گردد. ویژگی‌های عمده وضعیت اضطراری را می‌توان عبارت دانست از:

۱ـ در این وضعیت میزان استفاده از ابزارهای اقتدار حکومن به شکل قانونمند افزایش می‌یابد؛ ۲ـ مراجع اجرایی و قضایی از نظامات افتراقی استفاده کرده و بعضاً حجم صلاحیت‌ها و ساختارهای قوه مقننه و قضاییه به نفع مقامات اجرایی تغییر می‌یابد؛ ۳ـ حقوق و آزادی‌های عمومی و اجتماعی حسب ضرورت ممکن است توسط مقامات دولتی محدود معلق و یا سلب موقت گردد. در وضعیت اضطراری برای تعادل بین خواسته‌های دولت و آزادی‌های عمومی شهروندان و در جهت افزایش سرعت و کارآیی مهار خطر برخی حق‌ها با رعایت اصل تناسب تعلیق می‌گردد؛ ۴ـ به جهت لزوم اقدام لازم در مقابل خطر و تهدید حادث لازم است برای مدت موقت برخی از قوانین محدود معلق و یا حتی چه‌بسا نسخ شوند؛ ۵ـ باید وضعیت اضطراری به صورت موقت و محدود اعمال گردد. بنابراین وضعیت اضطراری دائمی وجود ندارد. بر این مبنا، وضعیت اضطراری یک استثنا است و نه یک قاعده، در غیر این صورت، یعنی در صورتی که وضعیت اضطراری یک قاعده تلقی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

گردد، نظام حقوقی دچار تعلیق شده و قدرت مستبد تمامیت خواه حاکم می‌شود؛ ۶ـ باید دولت تدابیری را برای حمایت از شهروندان و حفظ تاب‌آوری مردم در شرایط اضطراری به مرحله اجرا درآورد (۱۲).

در شرایط فعلی که شیوع بیماری کووید-۱۹ به یک بحران جهانی بدل شده است، با یکی از مهم‌ترین وضعیت‌های اضطراری رو به رو هستیم. به طور کلی، وقوع شرایط اضطراری همچون بحران‌های طبیعی یا بهداشتی ممکن است مدیریت برخی امور عمومی کشور را از طریق قواعد مرسوم حقوق اداری دشوار کند. به همین دلیل، اداره چنین امور اضطراری نیازمند تشریفات حقوقی خاص و متفاوتی است. از جمله این موارد، شرایط اضطراری بهداشت عمومی است؛ وضعیتی که میزان گستردگی، خطرناک‌بودن و پیش‌بینی‌ناپذیری آن‌ها به گونه‌ایست که اگر از روش‌های معمول برای مدیریت آن‌ها استفاده شود، می‌تواند به بروز بحران‌های گسترده‌تر در بهداشت عمومی منجر شود (۱۳). ویژگی اصلی این نوع بحران‌ها، پیش‌بینی‌ناپذیری آن‌هاست که مدیریت آن‌ها را با استفاده از روش‌های رایج دشوار می‌سازد. در این میان، مهم‌ترین وظیفه نظام حقوقی، ایجاد امکان پیش‌بینی‌پذیری در فرآیند مدیریت بحران است. این امر از طریق تدابیر پیشگیرانه و تنظیم سازوکارهای حقوقی مناسب به نحوی انجام می‌شود که از قبل برای مواجهه با چنین شرایطی تدارک دیده شده باشند. هدف از این اقدامات، جلوگیری از غافلگیری نهادهای دولتی هنگام وقوع بحران و تسهیل انجام وظایف آن‌ها در چهارچوبی قانونی و مشخص است. بدیهی است که در نبود چنین تدابیر و سازوکارهای پیشگیرانه جهت تنظیم وظایف دولت در شرایط اضطراری، خطر تخطی از موازین حقوقی و تجاوز به حقوق افراد جدی خواهد بود (۱۴).

واقع امر آن است که در همه جوامع بروز و همه‌گیری بیماری‌های و اگیردار امری عادی و پیش‌بینی‌پذیر است، همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ نخستین بیماری همه‌گیر نبود و واپسین آن هم نخواهد بود (۱۵). همه‌گیری ویروس‌های مرگباری مانند سارس، زیکا، ایبولا در سال‌های اخیر و به تازگی ویروس کووید-۱۹ و احتمال وقوع بیماری‌های شبیه آن در آینده اهمیت توسعه جدی حقوق اداری بهداشتی و مشکلات ناشی از این خلأ حقوقی را به روشنی بازنمایی می‌کند (۱۹).

فلذا وضعیت اضطراری به عنوان یک سازوکار حقوقی ویژه، به دولت‌ها این اختیار را می‌دهد که در مواجهه با بحران‌های گسترده مانند پاندمی‌ها، با تعلیق موقت برخی حقوق عادی و اعطای اختیارات ویژه، به مدیریت اوضاع بپردازند. کشورهای عضو بریکس شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، هر کدام دارای چهارچوب‌های حقوقی متمایزی برای اعلام و مدیریت وضعیت اضطراری هستند. این چهارچوب‌ها عمدتاً ریشه در قانون اساسی، قوانین عادی و در برخی موارد، رویه قضایی هر کشور دارند. در ادامه، به تحلیل مبانی حقوقی هر یک از این کشورها پراخته می شود. (۱۸).

۱-۱. وضعیت برزیل: در برزیل، مبانی حقوقی وضع وضعیت اضطراری عمدتاً در قانون اساسی فدرال مصوب ۱۹۸۸ و همچنین در «Lei n 13979» [قانون شماره ۱۳۹۷۹] که در فوریه ۲۰۲۰ به تصویب رسید، تعریف شده است. قانون اساسی برزیل در مواد ۱۳۶ تا ۱۳۸ به سه وضعیت فوق‌العاده اشاره دارد: ۱ـ حالت دفاعی (Estado de Defesa)؛ ۲ـ حالت محاصره (Estado de Sítio)؛ ۳ـ وضعیت اضطراری در بهداشت عمومی (Emergência em Saúde Pública). حالت دفاعی برای بحران‌های عمومی و تهدیدات نهادهای دولتی در نظر گرفته شده و توسط رییس‌جمهور پس از مشورت با شورای جمهوری و شورای امنیت ملی اعلام می‌شود. این حالت حداکثر ۳۰ روز قابل تمدید است و باید توسط کنگره ملی تأیید شود. حالت محاصره برای موارد شدید مانند جنگ یا آشوب عمومی کاربرد دارد و اختیارات گسترده‌تری به رییس‌جمهور می‌دهد. علاوه بر این، « Lei n 13.979» به طور خاص به پاندمی کووید-۱۹ پرداخته و به دولت فدرال و ایالت‌ها اجازه می‌دهد اقدامات محدودکننده‌ای، مانند قرنطینه، تعطیلی مشاغل و محدودیت در حمل و نقل را اعمال کنند. این قانون بر اساس اصل قانونی‌بودن اداره کشور و همچنین بر اساس اختیارات دولت در حفاظت از سلامت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

عمومی تدوین شده است. با این حال، اجرای این قانون با چالش‌هایی، از جمله انتقادات نسبت به نقض حقوق اساسی و ناهماهنگی بین دولت فدرال و ایالت‌ها مواجه شد (۲۰).

۱-۲. وضعیت روسیه: روسیه دارای چهارچوب حقوقی پیچیده‌ای برای وضعیت اضطراری است که عمدتاً در قانون اساسی فدراسیون روسیه (مصوب ۱۹۹۳ م.) و قانون فدرال در مورد وضعیت اضطراری (О чрезвычайном положении) مصوب ۲۰۰۱ تعریف شده است. بر اساس ماده ۸۸ قانون اساسی، رییس‌جمهور روسیه اختیار اعلام وضعیت اضطراری در سراسر کشور یا در مناطق خاص را دارد. این اختیار باید مطابق با قوانین فدرال اعمال شود و بلافاصله به شورای فدراسیون و دومای دولتی اطلاع‌رسانی گردد. قانون فدرال جزئیات کاملی را در مورد شرایط اعلام وضعیت اضطراری (مانند بحران‌های طبیعی، اپیدمی‌ها یا درگیری‌های مسلحانه) ارائه می‌دهد. بر اساس مواد ۴ و ۵ این قانون، وضعیت اضطراری می‌تواند برای حداکثر ۳۰ روز در کل کشور یا ۶۰ روز در مناطق خاص اعلام شود و تمدید آن نیاز به تأیید شورای فدراسیون دارد. در طول وضعیت اضطراری، دولت می‌تواند محدودیت‌هایی بر آزادی رفت و آمد، تجمعات و فعالیت اقتصادی اعمال کند. در دوران پاندمی کووید-۱۹، روسیه از این قانون به طور گسترده استفاده نکرد، بلکه بیشتر بر اساس قوانین بهداشتی و تصمیمات منطقه‌ای عمل کرد. این موضوع نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری نظام حقوقی روسیه در استفاده از ابزارهای مختلف برای مدیریت بحران است (۲۱).

۱-۳. وضعیت هند: در هند، وضعیت اضطراری بر پایه قانون اساسی مصوب ۱۹۴۹ و قانون مدیریت بحران (Disaster Management Act) مصوب ۲۰۰۵ تعریف شده است. قانون اساسی این کشور در بخش هجدهم (مواد ۳۵۲ تا ۳۶۰) سه نوع وضعیت اضطراری را مشخص می‌کند: وضعیت اضطراری ملی که به دلیل جنگ یا تجاوز خارجی اعمال می‌شود، وضعیت اضطراری ایالتی که ناشی از ناکارآمدی سازوکار قانون اساسی در یک ایالت است و وضعیت اضطراری مالی. علاوه بر این، قانون مدیریت بحران که پس از وقوع سونامی ۲۰۰۴ تصویب شد، چهارچوبی برای مقابله با بلایای طبیعی و انسانی از جمله بیماری‌های همه‌گیر ارائه می‌دهد. بر اساس این قانون، سازمان ملی مدیریت بحران تحت هدایت نخست‌وزیر از اختیارات گسترده‌ای برای صدور دستورالعمل‌های لازم برخوردار است. در جریان بحران کووید-۱۹، هند با استناد به این قانون در مارس ۲۰۲۰ قرنطینه سراسری را اجرایی کرد. این اقدام، هرچند از نظر حقوقی تأیید شد، اما انتقاداتی مانند عدم آمادگی مناسب و تأثیرات منفی بر حقوق اقشار آسیب‌پذیر را به همراه داشت. همچنین ماده ۶۴ قانون مدیریت بحران به دولت مرکزی اجازه می‌دهد تا با صدور دستورالعمل‌های لازم، هماهنگی میان ایالت‌ها را تضمین کند (۴).

۱-۴. وضعیت چین: چین دارای نظام حقوقی متمرکزی است که وضعیت اضطراری را عمدتاً بر اساس قانون اساسی و قوانین خاصی مانند «قانون مقابله با وضعیت‌های اضطراری» مصوب ۲۰۰۷ و «قانون پیشگیری و درمان بیماری‌های عفونی» مصوب ۲۰۱۳ تعریف می‌کند. قانون اساسی چین در ماده ۶۷ به کمیته دائمی کنگره خلق ملی اختیار اعلام وضعیت جنگ یا وضعیت اضطراری در سراسر کشور را می‌دهد. علاوه بر این، قانون «پاسخ به شرایط اضطراری» چهار سطح از وضعیت‌های اضطراری را تعریف می‌کند که سطح اول آن به بحران‌های بسیار شدید اختصاص دارد. این قانون اختیارات گسترده‌ای به دولت مرکزی و محلی برای اعمال تدابیر کنترلی می‌دهد. در جریان همه‌گیری کووید-۱۹، چین از این قانون برای اعمال قرنطینه در ووهان و برخی دیگر از شهرها استفاده کرد. ماده ۴۳ این قانون تأکید دارد که دولت می‌تواند در صورت لزوم محدودیت‌هایی بر حرکت، تجمعات و فعالیت‌های اقتصادی اعمال کند. رویکرد چین نشان‌دهنده وجود یک نظام حقوقی به شدت متمرکز و مبتنی بر اطاعت‌پذیری است، هرچند اجرای آن در سطح محلی گاه با چالش‌هایی همراه بوده است (۲۲).

۱-۵. آفریقای جنوبی: در آفریقای جنوبی، چهارچوب حقوقی وضعیت اضطراری بر قانون اساسی ۱۹۹۶ و قانون

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

«مدیریت بلایا» مصوب ۲۰۰۲ استوار است. قانون اساسی این کشور، به ویژه در بخش ۳۷، اختیار اعلام وضعیت اضطراری ملی را پیش‌بینی کرده، اما اعمال این اختیار را مقید به رعایت اصول دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر دانسته است. افزون بر این، قانون مدیریت بلایا سازوکار حقوقی لازم برای مدیریت انواع بلایا، از جمله همه‌گیری‌ها را فراهم می‌کند. بر اساس این قانون، مرکز مدیریت بلایای ملی به عنوان نهاد مسئول هماهنگی و راهبری اقدامات مرتبط، زیر نظر وزارت همکاری‌های حکومتی و امور سنتی فعالیت می‌کند. در جریان شیوع کووید-۱۹، آفریقای جنوبی با استناد به بخش ۲۷ این قانون، وضعیت اضطراری ملی را اعلام و محدودیت‌های سختگیرانه‌ای وضع کرد. این اقدام، اگرچه از نظر قانونی توسط دادگاه‌ها تأیید شد، اما به دلیل پیامدهای اقتصادی سنگین بر کسب و کارها و اقشار آسیب‌پذیر مورد انتقاد قرار گرفت. علاوه بر این، بخش ۲۶ قانون مدیریت بلایا به دولت امکان می‌دهد با صدور مقررات، اقدامات لازم برای مواجهه با بحران را به اجرا درآورد (۲۳).

کشورهای بریکس، اگرچه دارای نظام‌های سیاسی و حقوقی متفاوتی هستند، اما همگی چهارچوب‌های قانونی برای وضع وضعیت اضطراری دارند. این چهارچوب‌ها عمدتاً بر اساس قانون اساسی و قوانین عادی طراحی شده‌اند و به دولت‌ها اختیار اعمال اقدامات ویژه در بحران‌ها را می‌دهند. با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی در نحوه اجرا و کنترل این اختیارات وجود دارد. برای مثال، در برزیل و آفریقای جنوبی، نهادهای نظارتی و قضایی نقش فعالی در کنترل اقدامات دولت دارند، در حالی که در چین و روسیه، تمرکز بیشتری بر کارآمدی اجرایی دیده می‌شود. تجربه پاندمی کووید-۱۹ نشان داد که تعادل بین اختیارات دولت و حقوق شهروندان یک چالش اساسی در تمامی این کشورها بوده است.

۲. تعلیق گسترده حقوق و آزادی‌ها به سبب پاندمی کرونا در کشورهای بریکس: رژیم‌های اضطراری، بنا بر آنچه که گفتیم، دربردارنده دگرگونی در ساختار قدرت و تجمیع آن در قوه مجریه و کاهش محدودیت‌های ناظر بر کاربست اختیارات گزینشی حکومت می‌باشد، اما گذشته از این دگردیسی‌های نهادین وضعیت‌های اضطراری اغلب دربردارنده محرومیت شهروندان از حقوق و آزادی‌های بنیادین است. در واقع به تعبیری یک تنش دارای ابعاد غم‌انگیز میان حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک مورد حمایت یک نظام مبتنی بر حاکمیت قانون و پاسخ به وضعیت اضطراری وجود دارد (۲۴)، اگرچه در این خصوص بیشتر بر پیامدهای وضعیت اضطراری بر حقوقی چون حق بر آزادی و ممنوعیت بازداشت خودسرانه و حق بر محاکمه منصفانه تأکید می‌شود، اما باید پذیرفت یکی از بنیادین‌ترین ویژگی‌های چنین وضعیت‌های وسعت تأثیرشان بر جامعه و تأثیر بر تمام جنبه‌های زندگی افراد، از جمله آزادی عقیده، آزادی بیان آزادی انجمن حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها و بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی در راستای تأمین مصلحت و خیر عمومی است. به عنوان مثال در حالی که تک‌تک انسان‌ها حق بر آزادی بیان و ابراز عقیده دارند زمانی که یک کشور درگیر جنگ است و کیان یک ملت، از جمله امنیت شخص اعمال‌کننده حق بر آزادی بیان و عقیده در خطر قرار گرفته و در نتیجه تحدید یا حتی تعلیق آزادی وی منطقی است (۱۶) یا به هنگام تهدیدات تروریستی که کنترل امنیت جامعه جز از طریق شناسایی افراد مظنون به عملیات تروریستی میسر نمی‌باشد، شناسایی و تحت نظر قراردادن این افراد قطعاً تنها با تعلیق برخی مقررات حقوق بشری میسر می‌گردد (۲۵) در واقع حین وضعیت‌های اضطراری وظیفه کنترل شرایط حاکم بر جامعه و صیانت از جان آزادی و امنیت شهروندان (تصریح به وجود حق حیات در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حق بر داشتن امنیت و آزادی شخص در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۹ میثاق، تکلیف دولت‌ها را به حمایت از این حقوق و در نتیجه لزوم کنترل شرایط اضطراری تهدیدکننده آن‌ها به دنبال دارد) با حمایت حداکثری از حقوق و آزادی‌ها به عنوان یکی از مبانی حاکمیت قانون تداخل پیدا کرده و جز از طریق اعمال یکسری محدودیت‌ها در مسیر اجرای حقوق عادی سیاسی مدنی و اقتصادی میسر نمی‌باشد، چراکه به هر روی دولت مسئول اصلی حفظ صلح و نظم در

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

مناسبات اجتماعی است و برای انجام بهتر وظایف خود نیاز به برخی اختیارات دارد. از این رو حتی اسناد دموکراسی خواه و حامی حقوق بشر نیز این حاشیه امنیت را تا حد معقول برای دولت‌ها قائل شده‌اند تا تحت شرایط خاص با صدور اعلامیه‌ای مبنی بر بروز بحران و اعلان وضعیت جامعه خود محدودیت‌های لازم را به صورت قانونی و در حدود متعارف اعمال نماید. پیوستگی میان وضعیت‌های اضطراری و محرومیت گسترده از حقوق بشر، سبب شده است تا جامعه بین‌الملل تمرکز ویژه‌ای بر شناسایی چنین شرایطی و توجیه اعلام آن‌ها داشته باشد، البته باید توجه داشت که تحقق این امر و موجه‌بودن اعلام این وضعیت‌ها، گرچه دارای مزایا و منطقی به نظر می‌رسد، با خطر سوءاستفاده دولت‌ها نیز همراه است، چراکه گاهی برخی حکومت‌ها از این وضعیت به عنوان ابزاری برای اعمال محدودیت‌های غیر ضروری بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بهره‌برداری می‌کنند. به عنوان نمونه، اختیارات اضطراری گاهاً برای بازداشت افراد غیر مرتبط با تروریسم به کار گرفته می‌شود و در واقع بهانه‌ای برای زندانی‌کردن و خاموش‌کردن صدای یک گروه مخالف سیاسی می‌شود. همچنین ممکن است نیروهای امنیتی از امتیاز عدم رعایت برخی حقوق قانونی استفاده کنند و این وضعیت را جهت شکنجه زندانیان دستگیرشده در ارتباط با جرایم تروریستی مورد بهره‌برداری قرار دهند.

بنابراین گرچه پیش‌بینی محدودیت‌هایی در اعمال حقوق و آزادی‌ها به دلیل حفظ منافع عمومی امری موجه است، اما مسأله اصلی حدود اختیارت دولت در اعمال این محدودیت‌هاست. از همین رو تعیین یک هسته سخت از حقوق غیر قابل تعلیق در نظام بین‌الملل حقوق بشر در واقع تأمینی بر اصل حاکمیت قانون در حین چنین شرایطی است. حقوقی که با کرامت انسانی رابطه نزدیک داشته و تخطی از آن‌ها شأن و کرامت انسانی انسان را خدشه‌دار می‌نماید. قوانین اساسی نیز به عنوان یک حداقل با استفاده از دو رویکرد مشخص نموده‌اند که تدابیر و اقدامات اضطراری تأثیری بر حق‌های غیر قابل عدول ندارند، به نحوی که گاهی با فهرست‌نمودن حقوق و آزادی‌هایی که ممکن است در طول اعلام یک وضعیت اضطراری به حالت تعلیق درآیند. رویکرد فهرست مثبت و یا با برشمردن حقوق و آزادی‌هایی که حتی در زمان‌های حساس و بحرانی امکان زیر پا گذاشتن آن‌ها وجود ندارد، رویکرد فهرست منفی، حدود و ثغور تخطی از حقوق و آزادی‌های بنیادین را تعیین می‌نمایند. برخی ترتیبات مبتنی بر قانون اساسی نیز به طور صریح به اسناد بین‌المللی استناد نموده و محدودیت‌های مقرر در آن‌ها درباره امکان تعلیق و شرایط ناظر بر تحدید حقوق بشر را می‌پذیرند، اگرچه هیچ توافق کلی‌ای درباره جزئیات فهرستی از حق‌هایی که آنچنان بنیادین باشند که هرگز اجازه تعلیق آن‌ها وجود نداشته باشد، موجود نیست، اما این اجماع وجود دارد که چنین فهرستی قطعاً دربردارنده حق حیات ممنوعیت محرومیت خودسرانه از آزادی و ممنوعیت شکنجه است (۲۶). در واقع پذیرش اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری از سوی اکثر کشورهای مترقی و رعایت راهکارهایی چون ضرورت و تناسب که موضوع بخش دوم از این تحقیق را شکل می‌دهد، مانع از افراط در تحدید و تعلیق حقوق، حتی در گستره حقوق قابل تعلیق و رعایت حداقل‌های لازم در عدول از حق‌ها در راستای حفظ امنیت و صیانت از حیات و به طور کلی مصلحت جامعه است.

پاندمی کووید-۱۹ کشورهای جهان را با یک معمای پیچیده حقوقی مواجه ساخت: چگونه می‌توان بین حق بر سلامت جامعه و حقوق و آزادی‌های بنیادین فردی تعادل برقرار کرد؟ کشورهای عضو بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) که خود دارای بافتارهای سیاسی، حقوقی و اجتماعی بسیار متفاوتی هستند، هر یک به شیوه‌ای خاص و مبتنی بر چهارچوب‌های قانونی داخلی خود به این چالش پاسخ دادند. پاسخ آن‌ها در بسیاری موارد به تعلیق موقت و بی‌سابقه‌ای از طیف وسیعی از حقوق اساسی منجر شد، اقدامی که اگرچه عموماً مبتنی بر قانون بود، اما همواره با پرسش‌های جدی درباره مشروعیت، تناسب و حدود این اختیارات همراه بوده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

مهم‌ترین خلأ تحلیلی متن، عدم توجه به سازوکارهای نظارت و کنترل قدرت دولت است. در نظام‌های حقوقی مختلف، کنترل قضایی، نظارت پارلمانی، شفافیت تصمیم‌گیری و محدودیت زمانی اقدامات اضطراری از مهم‌ترین ابزارهای جلوگیری از سوءاستفاده از وضعیت اضطراری محسوب می‌شوند. در حالی که متن به امکان تعلیق یا تحدید حقوق می‌پردازد، اما بررسی نمی‌کند که چه نهادهایی و با چه سازوکاری می‌توانند مشروعیت، ضرورت و تناسب این محدودیت‌ها را ارزیابی و کنترل کنند. (۱۷).

بنابراین، از منظر هنجاری می‌توان گفت متن چهارچوب مفهومی مناسبی درباره امکان محدودسازی حقوق و وجود حقوق غیر قابل تعلیق ارائه می‌دهد، اما در تبیین معیارهای عملی مشروعیت محدودیت‌ها، ارزیابی ضرورت و تناسب اقدامات دولت و نیز سازوکارهای نظارت و پاسخگویی در شرایط اضطراری با خلأ تحلیلی مواجه است؛ خلأیی که در بررسی تجربه بحران‌هایی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در برزیل، دولت فدرال و دولت‌های ایالتی، با استناد به مصوبه «Lei n 13979» از فوریه ۲۰۲۰ و ماده ۱۹۶ قانون اساسی که دولت را موظف به تضمین حق سلامت می‌کند، محدودیت‌های گسترده‌ای وضع کردند. بر اساس مواد ۲ و ۳ این قانون، مقامات مجاز شدند اقداماتی نظیر «تعطیلی اماکن تجاری و ورزشی»، «محدودیت در حمل و نقل بین شهری و بین‌المللی» و «اجباری‌کردن قرنطینه افراد مشکوک به بیماری» را اعمال کنند. این اقدامات، آزادی‌هایی همچون رفت و آمد (ماده ۵، بخش ۱۵ قانون اساسی برزیل)، تجمع (ماده ۵، بخش ۱۶) و حق کار و فعالیت اقتصادی آزاد (ماده ۵، بخش ۱۳) را عملاً به حالت تعلیق درآورد. با این حال، اختلاف نظر پرتنش میان رییس‌جمهور که مخالف قرنطینه بود و فرمانداران ایالتی که خواستار اجرای محدودیت‌های سختگیرانه بودند، منجر به بی‌ثباتی حقوقی شد. در این میان، دادگاه عالی فدرال برزیل در رأی تاریخی خود در پرونده «ADI 6341»، اختیارات ایالت‌ها و شهرداری‌ها برای اعمال محدودیت‌های مستقل از دولت مرکزی را تأیید کرد و تصریح نمود که حفاظت از سلامت عمومی در چنین شرایطی، محدودیت‌های موقت بر حقوق فردی را توجیه می‌کند. با وجود این تصمیمات، نبود یک چهارچوب ملی منسجم و کمک‌های مالی ناکافی به اقشار آسیب‌پذیر، تأثیر این محدودیت‌ها را بر فقرا و فعالان بخش غیر رسمی اقتصاد به مراتب سنگین‌تر کرد.

از حیث مشروعیت، اقدامات محدودکننده دولت‌های فدرال و ایالتی برزیل بر مبنای «Lei n 13.979/2020» و نیز ماده ۱۹۶ قانون اساسی که حق سلامت را به عنوان تعهدی مثبت بر عهده دولت قرار می‌دهد، از پشتوانه قانونی برخوردار بوده‌اند. همچنین رأی دادگاه عالی فدرال در پرونده « ADI 6341» با تأیید صلاحیت ایالت‌ها و شهرداری‌ها، اصل قانونی‌بودن این محدودیت‌ها را تقویت کرده است. با این حال، مشروعیت صوری به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و باید با ارزیابی محتوایی اقدامات همراه شود.

از منظر ضرورت، مطالب فوق صرفاً به اعمال محدودیت‌های گسترده اشاره می‌کند، اما روشن نمی‌سازد که آیا این محدودیت‌ها در تمامی مراحل همه‌گیری تنها گزینه مؤثر برای تحقق هدف حفاظت از سلامت عمومی بوده‌اند یا خیر. به ویژه در خصوص تعطیلی فراگیر فعالیت‌های اقتصادی و محدودیت حمل‌ونقل، مشخص نیست که آیا ارزیابی علمی مستمر و مبتنی بر داده‌های اپیدمیولوژیک برای توجیه استمرار این اقدامات وجود داشته یا امکان اتخاذ تدابیر کمتر محدودکننده، مانند محدودیت‌های منطقه‌ای یا هدفمند، مورد توجه قرار گرفته است.

در روسیه، پاسخ دولت به پاندمی عمدتاً مبتنی بود بر قانون فدرال رفاه بهداشتی ـ اپیدمیولوژیک جمعیت مصوب ۱۹۹۹ و نیز فرمان‌های رییس‌جمهور، بر اساس ماده ۳۱ این قانون، مقامات بهداشتی فدرال و منطقه‌ای در زمان تهدیدات اپیدمیولوژیک، اختیارات بسیار گسترده‌ای برای اعمال اقدامات قرنطینه‌ای و محدودکننده دارند. در بهار ۲۰۲۰، ولادیمیر پوتین (Vladimir Putin) با فرمان خود یک دوره «غیر کاری اعلام کرد که قرنطینه سراسری بود. شهردار مسکو نیز با استناد به قوانین محلی، سیستم مجوزهای الکترونیک را برای

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

تردد در شهر اجرا کرد. این اقدامات، آزادی رفت و آمد (ماده ۲۷ قانون اساسی روسیه) و آزادی برگزاری تجمعات (ماده ۳۱) را به شدت محدود ساخت. تحلیلگران حقوقی به دو نکته کلیدی اشاره می‌کنند: اولاً، دولت روسیه به جای اعلام «وضعیت اضطراری» رسمی که تابع کنترل‌های سخت‌تر پارلمانی است، ترجیح داد از مکانیسم‌های انعطاف‌پذیرترِ قوانین بهداشتی استفاده کند که اختیارات بی‌واسطه‌تری به نهاد اجرایی می‌دهد؛ ثانیاً قوه قضاییه روسیه رویه یکسانی در قبال اعتراضات به این محدودیت‌ها نداشت و در بسیاری موارد، دادگاه‌ها به نفع دولت حکم صادر کردند و استدلال مقامات مبنی بر اولویت منافع جمعی بر حقوق فردی راپذیرفتند (۲۷). از منظر تحلیلی، نخست، از منظر مشروعیت حقوقی، اقدامات دولت روسیه بر مبنای قانون فدرال «رفاه بهداشتی ـ اپیدمیولوژیک جمعیت» مصوب ۱۹۹۹ و فرمان‌های ریاست‌جمهوری صورت گرفته است. از این حیث، محدودیت‌ها ظاهراً از پشتوانه قانونی برخوردارند. با این حال، هنجارگرایی حقوقی صرفاً به وجود مبنای حقوقی بسنده نمی‌کند، بلکه مستلزم پایبندی دولت به اصول شکل‌دهنده حاکمیت قانون در وضعیت اضطراری است. در این زمینه، تصمیم دولت برای عدم اعلام رسمی «وضعیت اضطراری» و استفاده از رژیم قانونی جایگزین دارای پیامد هنجاری مهمی است: این انتخاب به دولت اجازه داد تا از کنترل‌های دموکراتیک و نظارت پارلمانیِ پیش‌بینی‌شده در وضعیت اضطراری بگریزد و در عین حال محدودیت‌هایی مشابه همان وضعیت را بر حقوق بنیادین شهروندان اعمال کند، به بیان دیگر، مشروعیت ظاهری این اقدامات فاقد پشتوانه نظارتی شفاف و پاسخگویی نهادی بوده است؛ دوم، در خصوص ضرورت، متن توصیف می‌کند که اقدامات قرنطینه‌ای و محدودکننده از جمله «دوره غیر کاری سراسری» و الزام به مجوز تردد الکترونیک در مسکو اعمال شد. با این حال، هیچ ارزیابی از این ارائه نشده که آیا چنین تدابیری واقعاً تنها ابزار ضروری برای دستیابی به هدف سلامت عمومی بوده‌اند یا می‌توانست جایگزین‌هایی کم‌محدودیت‌تر (مانند قرنطینه‌های موضعی یا کنترل‌های مبتنی بر خطرات منطقه‌ای) در نظر گرفته شود. از این منظر، عنصر هنجاریِ ضرورت عملاً احراز نشده است، زیرا تصمیمات بیشتر جنبه سیاسی و نمادین یافته تا علمی و متناسب با میزان خطر در هر منطقه.

در بعد تناسب، اقدامات روسیه چنان گسترده بودند که نه‌تنها آزادی رفت و آمد (ماده ۲۷ قانون اساسی)، بلکه حق تجمع (ماده ۳۱) را نیز به شدت محدود کردند. با توجه به اینکه کشور وضعیت اضطراری رسمی اعلام نکرد، این سطح از محدودیت‌ها از منظر تناسب محل تردید جدی است، زیرا اقدامات به اندازه‌ای شدید بودند که می‌توان گفت نسبت میان هدف (حمایت از سلامت عمومی) و ابزار (ممنوعیت عام تردد و تجمع) رعایت نشده است. افزون بر این، اجرای غیر شفاف و گاه سنگین‌گیرانه نظام مجوز تردد الکترونیکی، مخاطرات قابل توجهی برای حریم خصوصی و کنترل اجتماعی ایجاد کرد که بررسی تناسب را حتی پیچیده‌تر می‌کند.

از لحاظ نظارت قضایی و پاسخگویی، هرچند قوه قضاییه در روسیه صلاحیت رسیدگی به اعتراض‌های شهروندان علیه محدودیت‌ها را داشت، اما همان‌طور که در متن آمده، دادگاه‌ها عموماً به نفع دولت رأی دادند و استدلال «اولویت منافع جمعی بر حقوق فردی» را پذیرفتند. این رویکرد نشان از ضعف استقلال قضایی و فقدان رویکرد موازنه‌ای میان حقوق فردی و منافع عمومی دارد. در عمل، نظارت قضایی بیشتر صورتی صوری و تشریفاتی داشته تا ابزاری مؤثر برای کنترل قدرت اجرایی.

پاسخ هند به پاندمی، یکی از سخت‌گیرانه‌ترین و گسترده‌ترین قرنطینه‌های جهان بود که مستقیماً بر اساس قانون مدیریت بلایای طبیعی (سال ۲۰۰۵ م.) اجرا شد. بر اساس بخش ۶۴ این قانون، وزارت کشور می‌تواند برای مدیریت یک فاجعه، دستورالعمل‌های لازم‌الاجرایی را به تمام ایالت‌ها ابلاغ کند. در ۲۴ مارس ۲۰۲۰، دولت نارندرا مودی با دستور رسمی، یک قرنطینه سراسری ۲۱ روزه اعلام کرد که آزادی رفت و آمد (ماده ۱۹۱ قانون اساسی هند) را به کلی معلق و فعالیت اقتصادی را متوقف ساخت. این اقدام که بدون برنامه‌ریزی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

قبلی و هشدار کافی اجرا شد، پیامدهای انسانی فاجعه‌باری داشت و باعث مهاجرت معکوس میلیون‌ها کارگر روزمزد از شهرها به روستاها شد. دادگاه عالی هند در پرونده‌های متعددی مانند « Alakh Alok Srivastava v. Union of India» نسبت به رنج این کارگران ابراز نگرانی کرد، اما در نهایت، اختیارات دولت مرکزی را در اعمال تعطیلی سراسری به رسمیت شناخت و بر حق بر زندگی (ماده ۲۱) به عنوان جامع‌ترین حق که شامل حق بر سلامت می‌شود، تأکید نمود. با این حال، انتقاد اصلی به اجرای این سیاست، عدم تناسب و فقدان یک چهارچوب حمایتی قوی برای جبران خسارات ناشی از تعلیق گسترده حقوق بود (۲۸).

در خصوص نظارت قضایی، دادگاه عالی هند به برخی پیامدهای انسانی این سیاست واکنش نشان داد و نگرانی خود را نسبت به وضعیت کارگران مهاجر ابراز کرد. با این حال، در نهایت رویکردی محتاطانه اتخاذ کرد و اختیارات دولت مرکزی را در اعمال قرنطینه به رسمیت شناخت. این رویکرد نشان می‌دهد که نظارت قضایی بیشتر به سطح توصیه و ابراز نگرانی محدود ماند و کمتر به ارزیابی دقیق ضرورت و تناسب اقدامات اجرایی پرداخت، در نتیجه، نقش قوه قضاییه در ایجاد موازنه میان اقتدار دولت و حمایت از حقوق بنیادین چندان فعال و مداخله‌گرانه نبود.

در جمع‌بندی هنجاری می‌توان گفت که اگرچه اقدام دولت هند در اعمال قرنطینه سراسری از نظر هدف، یعنی حفاظت از سلامت عمومی و حق بر زندگی قابل توجیه بوده است، اما نحوه اجرای آن با چالش‌هایی جدی در زمینه ضرورت، تناسب و تضمین حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر همراه بوده است. علاوه بر این، نظارت محدود قضایی موجب شد که ارزیابی دقیق‌تری از مشروعیت و پیامدهای انسانی این محدودیت‌های گسترده صورت نگیرد و تعادل میان حفظ سلامت عمومی و صیانت از حقوق بنیادین به طور کامل برقرار نشود.

در چین، پاسخ به کووید-۱۹ در شهر ووهان و سپس در سراسر کشور، با قاطعیت و سرعت بی‌نظیری اجرا شد و مبتنی بود بر «قانون مقابله با حوادث غیر منتظره مصوب ۲۰۰۷ و قانون پیشگیری و درمان بیماری‌های عفونی مصوب ۲۰۱۳. بر اساس ماده ۴۳ قانون اول، دولت‌های محلی می‌توانند در برابر یک فاجعه بزرگ، اقدامات اضطراری، از جمله «قرنطینه منطقه‌ای»، «تعطیلی اماکن عمومی» و «تعلیق فعالیت‌ها» را اجرا کنند. دولت مرکزی چین با طبقه‌بندی کووید-۱۹ به عنوان یک «بیماری عفونی کلاس آ» (هم‌رده طاعون و وبا)، به استناد ماده ۳۹ قانون بیماری‌های عفونی، خود را مجاز به اعمال سخت‌گیرانه‌ترین محدودیت‌ها دانست. سیستم نظارتی همه‌جانبه، از جمله استفاده از اپلیکیشن‌های ردیابی سلامت و دوربین‌های تشخیص چهره، برای اجرای این محدودیت‌ها به کار گرفته شد. این اقدامات، آزادی‌های فردی، به ویژه آزادی رفت و آمد و حق بر حریم خصوصی را در مقیاسی بی‌سابقه محدود کرد. رویکرد چین که در آن منافع جمعی به طور مطلق بر حقوق فردی اولویت دارد، از سوی نهادهای بین‌المللی حقوق بشر مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. با این حال، مقامات چینی این اقدامات را کاملاً قانونی، ضروری و متناسب با تهدید پیش رو و در راستای «حق بر زندگی و سلامت» مندرج در ماده ۳۷ قانون اساسی چین می‌دانند (۲۹).

اگرچه اقدامات چین از منظر حقوق داخلی دارای مبنای قانونی بوده و با هدف حفاظت از سلامت عمومی و حق بر زندگی توجیه شده‌اند، اما پرسش‌های جدی در خصوص ضرورت واقعی دامنه گسترده محدودیت‌ها، تناسب میان هدف و ابزارهای نظارتی شدید، و فقدان نظارت قضایی یا نهادی مستقل باقی می‌ماند (۳۰). این عوامل موجب شده است که برخی نهادهای حقوق بشری بین‌المللی رویکرد چین را نمونه‌ای از غلبه کامل منافع جمعی بر حقوق فردی تلقی کنند؛ وضعیتی که از منظر هنجاری می‌تواند تعادل میان امنیت بهداشتی و تضمین آزادی‌های بنیادین را با چالش مواجه سازد (۳۱).

۳. چالش‌های حقوقی کشورهای بریکس در مورد محدودیت‌های دوران پاندمی: از منظر حقوقی، کشورهای عضو بریکس در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ با چالش‌های عمیق و چندبعدی در زمینه حقوق عمومی، حقوق اساسی و

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

حاکمیت قانون مواجه شدند. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از تعارض ذاتی بین اختیارات گسترده دولت‌ها در شرایط فوق‌العاده و حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان بود. ماهیت این چالش‌ها را می‌توان در چند محور اصلی بررسی کرد. یکی از کلیدی‌ترین چالش‌های حقوقی، مبانی قانونی اعمال محدودیت‌ها بود. در اغلب این کشورها، دولت‌ها به جای اتکا به قوانین ویژه شرایط اضطراری که معمولاً مشروط به نظارت پارلمانی و قضایی دقیق‌تری هستند، به قوانین عام و قدیمی‌تر متوسل شدند. برای مثال، روسیه با استفاده از قانون «رفاه بهداشت اپیدمیولوژیک» مصوب ۱۹۹۹ که برای مقابله با شیوع بیماری‌های عفونی طراحی شده بود، محدودیت‌های گسترده‌ای را اعمال کرد که به مراتب فراتر از دامنه معمول این قانون بود. این امر پرسش‌های جدی در مورد تفسیر گسترده و محتملاً فراتر از حدود قوانین موجود توسط مجریان ایجاد کرد. به عبارت دیگر، آیا می‌توان از قوانینی که برای مقابله با شیوع محدود بیماری‌ها تدوین شده‌اند، برای تعطیل‌کردن کامل یک کشور استفاده کرد؟ این چالش، مسأله «تفویض اختیار» را به میان کشید؛ آیا پارلمان اختیارات لازم و کافی را به دولت داده بود یا دولت در حال اقدام بر اساس تفسیری شخصی و گسترده از قوانین بود؟

چالش حقوقی دیگر، نقصان یا فقدان «اصل تناسب» در اجرای محدودیت‌ها بود. اصل تناسب به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق عمومی، ایجاب می‌کند که محدودیت‌های اعمال‌شده بر حقوق شهروندان باید برای دستیابی به یک هدف مشروع ضروری بوده و حداقل محدودیت ممکن را ایجاد کنند. در عمل، بسیاری از اقدامات دولت‌های بریکس در معرض اتهام نقض این اصل قرار گرفت. برای نمونه، ممنوعیت کامل فروش محصولات غیر خوراکی مانند الکل و سیگار در آفریقای جنوبی یا ممنوعیت تردد بیرونیه کامل در هند، از جمله مواردی بودند که منتقدان استدلال می‌کردند ارتباط مستقیم و ضروری با کنترل ویروس ندارند و محدودیت‌هایی به مراتب شدیدتر از نیاز ایجاد کرده‌اند. دادگاه عالی آفریقای جنوبی در پرونده «شبکه مبارزان آزادی» دقیقاً بر همین اساس، بخشی از مقررات دولت را لغو کرد. این چالش، توانایی نهادهای قضایی و نظارتی هر کشور در اعمال کنترل مؤثر بر اقدامات اجرایی را مورد آزمایش قرار داد.

چالش نظارت قضایی و پاسخگویی نیز از جمله مسائل بحرانی بود. در شرایط اضطراری، قوه مجریه تمایل ذاتی به گسترش اختیارات و کاهش شفافیت دارد. در این شرایط، نقش قوه قضاییه به عنوان محافظ نهایی قانون اساسی و حقوق شهروندان حیاتی می‌شود. تجربه کشورهای بریکس در این زمینه ناهمگون بود، در حالی که دستگاه قضایی آفریقای جنوبی و تا حدی برزیل (با حکم دادگاه عالی فدرال) فعالانه وارد عمل شدند و بر اقدامات دولت نظارت کردند، در روسیه و چین، دادگاه‌ها عموماً در برابر اقدامات دولت مطیع بوده و یا بسیار محتاط عمل کردند. این امر پرسش‌هایی جدی در مورد استقلال قضایی و توانایی واقعی نهادهای نظارتی در مهار قدرت اجرایی در این کشورها ایجاد کرد. فقدان مکانیسم‌های سریع و مؤثر برای رسیدگی به شکایت‌های شهروندان از محدودیت‌ها، به گسترش احساس بی‌عدالتی و تبعیض دامن زد.

افزون بر این، چالش حریم خصوصی و نظارت دیجیتال به عنوان یک مسأله حقوقی کاملاً جدید و بی‌سابقه سر برآورد. کشورهایی مانند چین و روسیه با سرعت و قاطعیت از فناوری‌های نظارتی پیشرفته، مانند اپلیکیشن‌های ردیابی تماس، دوربین‌های تشخیص چهره و سیستم‌های اعتبار اجتماعی برای اجرای مقررات استفاده کردند. این امر یک تعارض بنیادین بین حق بر سلامت جامعه و حق بر حریم خصوصی و حمایت از داده‌های شخصی ایجاد کرد. قوانین موجود در بسیاری از این کشورها برای پاسخگویی به چنین سطحی از نظارت فراگیر و نفوذ دولت در زندگی شهروندان طراحی نشده بودند. این پرسش مطرح شد که آیا این ابزارهای نظارتی پس از پایان همه‌گیری برچیده خواهند شد یا به بخشی دائمی از زرادخانه حکمرانی دولتی تبدیل می‌شوند که تهدیدی برای آزادی‌های مدنی در درازمدت محسوب می‌گردد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

در نهایت، چالش برابری و عدالت اجتماعی در اجرای قوانین به چشم می‌خورد. بار محدودیت‌ها به صورت نامتناسبی بر دوش گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر جامعه افتاد. کارگران غیر رسمی، مهاجران و ساکنان مناطق فقیرنشین شهری نه‌تنها بیشتر در معرض بیماری قرار گرفتند، بلکه توانایی کمتری برای رعایت مقرراتی مانند «در خانه‌ماندن» یا «دورکاری» داشتند. از منظر حقوقی، این سؤال مطرح بود که آیا دولت‌ها به «تکلیف مثبت» خود برای محافظت از این گروه‌ها و تضمین دسترسی عادلانه به خدمات بهداشتی و حمایت‌های اقتصادی عمل کرده‌اند؟ در بسیاری موارد، پاسخ منفی بود. شکاف بین تصویب قوانین عام و اجرای عادلانه آن‌ها آشکار گردید.

برای فائق‌آمدن بر این چالش‌ها، کشورهای بریکس راهکارهای حقوقی متفاوتی را در پیش گرفتند. برخی مانند آفریقای جنوبی از طریق تقویت نظارت قضایی و تعدیل مقررات بر اساس اصول قانون اساسی عمل کردند. برخی دیگر مانند چین، با تمرکز بر حاکمیت و توسل به قوانین امنیتی و بهداشتی موجود، به دنبال تثبیت و توجیه اقدامات خود بودند. با این حال، آنچه مشهود است، این است که همه‌گیری ضعف‌های ساختاری در چهارچوب‌های حقوقی بسیاری از این کشورها را برای مدیریت بحران‌های گسترده، تضمین حق بر سلامت و محافظت از دیگر آزادی‌های اساسی آشکار کرد. این تجربه نشان داد که وجود قوانین شفاف، دقیق و پیش‌بینی‌پذیر برای شرایط اضطراری، همراه با مکانیسم‌های قوی نظارت قضایی و پارلمانی، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای حکمرانی مدرن است.

نتیجه‌گیری

گروه کشورهای بریکس نیز از قاعده ایجاد وضعیت اضطراری در پی بیماری کووید-۱۹ مستثنا نبود و کشورهای عضو این گروه، چه اعضای اولیه و چه اعضایی که تمایل به عضویت در این گروه داشته و دارند، سعی کرده‌اند با تدوین و اجرای سیاست‌های خاص وضعیت بغرنج ناشی از انتشار بیماری را تحت کنترل خود درآورند. با عنایت به رویکرد کشورهای پایه‌گذار بریکس، یعنی برزیل روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی و نیز برخی دیگر از کشورهای مایل به عضویت در این گروه، از جمله ایران و عربستان و... می‌توان به این نتیجه رسید که این کشورها در مجموع دو الگوی مدیریتی را در مواجهه با وضعیت اضطراری تعریف کرده و به اجرا درآوردند: الگوی اول را می‌توان الگوی کنترل و نظارت و کنترل کامل» نامید که در آن حاکمیت‌ها، حتی در جزئی‌ترین حوزه‌های فردی و شهروندی نیز مداخله کردند تا بتوانند روند رو به گسترش بیماری و آثار و پیامدهای مخرب آن در حوزه‌های مختلف با تحت کنترل کامل و همه‌جانبه خود درآورند، نمونه بارز این کشورها آفریقای جنوبی یا روسیه است؛ الگوی دوم را می‌توان الگوی نظارت و کنترل نسبی نامید. در این الگو دولت‌ها و حاکمیت‌ها اقدام به اعلام وضعیت اضطراری کرده‌اند، لیکن برخی از حوزه‌ها، از جمله تعاملات روزمره شهروندان را همچنان تحت شمول قواعد آزادمنشانه محسوب کردند، نمونه بارز این کشورها برزیل است که حتی رییس‌جمهور وقت این کشور خود از تزریق واکسن کرونا امتناع ورزید و قائل به اعلام وضعیت خطرناک و فوق‌العاده در مواجهه با بیماری کووید-۱۹ نبود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت نظام‌های حقوقی در مدیریت بحران‌های گسترده نه صرفاً به کارآمدی ابزارهای اجرایی، بلکه به میزان استحکام نهادهای نظارتی و پایبندی به اصول بنیادین حقوق عمومی وابسته است. تجربه کشورهای بریکس نشان می‌دهد که در غیاب نظارت قضایی مؤثر و معیارهای حقوقی شفاف برای سنجش ضرورت و تناسب محدودیت‌ها، حتی اقداماتی که در ابتدا با هدف حفاظت از سلامت عمومی اتخاذ شده‌اند، می‌توانند به تدریج به مداخلات گسترده در حقوق اساسی شهروندان تبدیل شوند. در مقابل، نظام‌هایی که توانسته‌اند میان اقتدار لازم برای مدیریت بحران و سازوکارهای مؤثر نظارت حقوقی تعادل برقرار کنند، موفق‌تر بوده‌اند در حفظ هم‌زمان سلامت عمومی و اصول بنیادین حاکمیت قانون.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

بررسی تطبیقی تجربه کشورهای عضو بریکس در مواجهه با همه‌گیری کووید-۱۹ نشان می‌دهد که اعمال محدودیت بر برخی حقوق و آزادی‌های بنیادین در شرایط اضطراری بهداشتی، امری اجتناب‌ناپذیر در نظام‌های حقوق عمومی معاصر است. با این حال، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسأله اصلی در مدیریت حقوقی چنین بحران‌هایی نه اصل امکان محدودسازی حقوق، بلکه نحوه کنترل و ارزیابی این محدودیت‌ها در چهارچوب حاکمیت قانون است. تجربه کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که بسیاری از دولت‌ها اقدامات خود را با استناد به قوانین بهداشت عمومی یا مقررات مدیریت بحران توجیه کرده‌اند، اما کیفیت و شدت نظارت نهادی بر این اقدامات به طور قابل توجهی متفاوت بوده است.

تحلیل تطبیقی این تجربه‌ها بیانگر آن است که در کشورهایی که سازوکارهای نظارتی فعال‌تری، به ویژه در قالب نظارت قضایی، وجود داشته است، امکان اصلاح یا تعدیل مقررات نامتناسب فراهم شده و محدودیت‌های اعمال‌شده بیشتر در چهارچوب ضرورت و تناسب باقی مانده‌اند. در مقابل، در مواردی که نظارت قضایی ضعیف، محدود یا فاقد استقلال مؤثر بوده است، محدودیت‌های اعمال‌شده در مواردی از حدود ضرورت فراتر رفته و به مداخلات گسترده در حقوق بنیادین شهروندان انجامیده است. از این منظر می‌توان به یک قاعده هنجاری مهم دست یافت: تجربه کشورهای بریکس نشان می‌دهد که فقدان نظارت قضایی مؤثر و مستقل یکی از مهم‌ترین عوامل تبدیل محدودیت‌های در ظاهر مشروع و اضطراری به نقض‌های ساختاری و پایدار حقوق بشر بوده است. به بیان دیگر، مشروعیت حقوقی اقدامات اضطراری صرفاً به وجود مبنای قانونی اولیه وابسته نیست، بلکه به وجود سازوکارهای مؤثر برای کنترل، بازبینی و ارزیابی مستمر این اقدامات نیز بستگی دارد.

این یافته همچنین نشان می‌دهد که بسیاری از چالش‌های حقوقی مشاهده‌شده در دوران همه‌گیری ناشی از نبود چهارچوب‌های دقیق حقوقی برای شرایط اضطراری بوده است. در برخی موارد، دولت‌ها از قوانین عمومی مدیریت بلایا یا مقررات بهداشتی استفاده کرده‌اند که برای چنین بحران‌های گسترده‌ای طراحی نشده بودند و فاقد معیارهای روشن برای محدودسازی حقوق اساسی بودند، در نتیجه تصمیمات اتخاذشده در عمل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه داشته و در برخی موارد بار نامتناسبی بر گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه تحمیل کرده است.

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین درس‌های حاصل از تجربه کشورهای مورد بررسی آن است که مدیریت مشروع بحران‌های بهداشتی نیازمند چهارچوب‌های حقوقی از پیش تعیین‌شده و شفاف برای اعمال اختیارات اضطراری است. در چنین چهارچوبی، اعلام وضعیت اضطراری باید دارای مدت زمان مشخص و قابل تمدید باشد و هرگونه تمدید آن مستلزم ارائه دلایل مستند درباره استمرار ضرورت محدودیت‌ها باشد. علاوه بر این، قوانین مرتبط با وضعیت اضطراری باید به طور صریح حقوقی را که حتی در چنین شرایطی قابل تعلیق نیستند مشخص کنند، از جمله حقوق مرتبط با کرامت انسانی، منع بازداشت خودسرانه، دسترسی به دادرسی عادلانه و منع تبعیض.

پیشنهادات: بر اساس یافته‌های این پژوهش، یکی از مهم‌ترین الزامات برای جلوگیری از تبدیل محدودیت‌های اضطراری به نقض‌های گسترده حقوق بنیادین، ایجاد چهارچوب‌های حقوقی روشن و قابل نظارت برای اعمال اختیارات دولت در شرایط بحران است. در این راستا، نخستین اقدام ضروری در حوزه قانون‌گذاری آن است که اعلام وضعیت اضطراری از نظر زمانی به طور دقیق محدود شود. به بیان دیگر، قوانین مربوط به مدیریت بحران باید دولت را ملزم کنند که وضعیت اضطراری را تنها برای مدت مشخص و کوتاه‌مدت اعلام کند و هرگونه تمدید آن نیز منوط به ارائه دلایل مستند درباره استمرار ضرورت و تأیید مرجع صلاحیت‌دار، مانند پارلمان یا دادگاه قانون اساسی، باشد. تعیین محدودیت زمانی روشن از عادی‌شدن وضعیت اضطراری و استمرار نامحدود محدودیت‌ها جلوگیری می‌کند و امکان نظارت مؤثر بر اقدامات دولت را فراهم می‌سازد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

با توجه به گسترش استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای رصد و کنترل شیوع بیماری‌ها، ضروری است که استفاده از این ابزارها نیز تحت ضوابط قانونی دقیق قرار گیرد. قوانین مرتبط با مدیریت بحران باید به طور مشخص حدود و شرایط استفاده از ابزارهای نظارتی، نحوه جمع‌آوری و نگهداری داده‌های شخصی، مدت زمان استفاده از این داده‌ها و الزام به حذف آن‌ها پس از پایان بحران را تعیین کنند. چنین مقرراتی می‌تواند مانع از آن شود که ابزارهای نظارتی که در شرایط اضطراری به کار گرفته می‌شوند، به سازوکارهای دائمی کنترل شهروندان تبدیل شوند.

در مجموع، تجربه کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که پیش‌بینی قواعد روشن در حوزه قانون‌گذاری و تقویت نظارت قضایی بر اقدامات دولت در شرایط اضطراری می‌تواند نقش مهمی در حفظ تعادل میان ضرورت‌های مدیریت بحران‌های بهداشتی و صیانت از حقوق بنیادین شهروندان ایفا کند. ایجاد چنین سازوکارهایی امکان آن را فراهم می‌کند که دولت‌ها در عین برخورداری از اختیارات لازم برای مقابله با بحران‌ها، همچنان در چهارچوب اصول حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر عمل کنند.

مشارکت نویسندگان

کیوان صداقتی: ارائه ایده، کمک در نگارش مقاله، راهنمایی مقاله.

مهدی شفیعی: ارائه ایده، نگارش مقاله، گردآوری مقاله.

احسان آقامحمدآقایی: مشاوره و نظارت بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی بهره برده نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

References

1. Liu Y, Salwi S, Drolet BC. Multivalue ethical framework for fair global allocation of a COVID-19 vaccine. Journal of Medical Ethics. 2020; 46(8): 499-501.

2. Matose T, Lanphier E. Rights Don't Stand Alone: Responsibility for Rights in a Pandemic. The American Journal of Bioethics. 2020; 20(7): 169-172.

3. Mohebbi D, Karami H. nature of response patterns to emergency situations with an emphasis on the constitution of Islamic republic of Iran. Security Horizons. 2016; 9(32): 67-98. [Persian]

4. Chia TO, Oyeniran I. Human Health versus Human Rights: An Emerging Ethical Dilemma Arising from Coronavirus Disease Pandemic, Ethics Medicine and Public Health. 2020; 14: 100511.

5. Rasekh M. Foundations and the System of Public Health Law in the Emergency Situation. Legal Research Quarterly. 2021; 24(95): 57-80. [Persian]

6. Chua AQ, Jin Tan MM, Verma M, Lin Han EK, Hsu LY, Cook AR, et al. Health system resilience in managing the COVID-19 pandemic: Lessons from Singapore. BMJ Global Health. 2020; 5(9): e0033317.

7. Fisher OM, Brown KGM, Coker DJ, McBride KE, Steffens D, Koh CE, et al. Distributive justice during the coronavirus disease 2019 pandemic in Australia. ANZ Journal of Surgery. 2020; 90(6): 961-962.

8. Jalali AR, Abouata M. State of Emergency and Limitation of Fundamental Rights: The Measures of the Italian Government to Fight against Covid-19. Public Legal Research. 2020; 22(67): 41-61. [Persian]

9. Kringos D, Carinci F, Barbazza E, Bos V, Gilmore K, Groene O, et al. Managing COVID-19 within and across health systems: Ehy we need performance intelligence to coordinate a global response. Health Research Policy and Systems. 2020; 18(80): 1-8.

10. Shamlou B, Yousefi A. The concept of public emergency with emphasis on human rights. The Judiciary Law Journal. 2017; 80(96): 105-123. [Persian]

11. Praneviciene B. Limiting of the Right to Privacy in the Context of Protection of National Security. Jurisprudence. 2011; 18(4): 1609-1622.

12. Ghamami SMM. Rights and Crisis: A Comparative Study of Government Measures in the Corona Emergency. Tehran: Imam Sadeq University Publications; 2022. p.14-18. [Persian]

13. Ardabili MA. General Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2021. Vol.1 p.293. [Persian]

14. Faryadi M, Nejabatkhah M. Challenges of Administrative Law in Managing Health Emergencies. Legal Research Quarterly. 2022; 25(Law & COVID-19): 237-260. [Persian]

15. Balavi M. Modern State and Human Rights. PhD Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University; 2011. p.172. [Persian]

16. Bayat Komitki M. Theoretical study of the relationship between individual rights and collective interests. PhD Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University; 2011. p.381. [Persian]

17. Bayat Komitki M, Balavi M. The Theory of Exceptionalism Facing the Theory of Balance. Public Law Research. 2015; 15(42): 9-42. [Persian]

18. Najarzadeh Henjani M. Legal analysis of the restrictions imposed due to the Corona pandemic in Iranian law; in search of the competent authority. Administrative Law. 2020; 7(23): 225-245. [Persian]

19. Nelson C, Lurie N, Wasserman J, Zakowski S. Conceptualizing and Defining Public Health Emergency Preparedness. American Journal of Public Health. 2007; 97(suppl 1): S9-S11.

20. Presidência da República. Medidas provisórias e leis relacionadas à COVID-19. 2020. Brasilia.

21. Töpfer E, Leiserowitz A. Executive rule by decree in times of crisis: The case of Russia during the COVID-19 pandemic. Review of Central and East European Law. 2022; 47(1): 68-97.

22. Ghanavati J, Fathi B. Comparative study of the effect of COVID-19 on contractual obligation. Islamic Law. 2020; 17(64): 1-46. [Persian]

23. Liu Y, Qu HQ, Qu J, Tian L, Hakonarson H. Expression pattern of the SARS-CoV-2 entry genes ACE2 and TMPRSS2 in the respiratory tract. Viruses. 2020; 12(10): E1174.

24. Lahav P. A Barrel without Hoops: The Impact of Counter terrorism on Israel's Legal Culture. Cardozo Law Review. 1988; 10(3): 529-531.

25. Esfandiari M. Public state of emergency in the fight against terrorism within the framework of the international human rights system. Master's Thesis. Tehran: Allameh Tabatabaei University; 2012. p.96. [Persian]

26. Fitzpatrick J. Human Rigts in Crisis: The International System for Protecting Rights during States of Emergency. Philadelphia: University of Pennsylvania Press; 1994. Chap.3.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

27. Andrianov A, Pismennnaya E. Russia Stimulus seen falling short despite $123 billion plan. 2020. Online. Available from: https://www.bloomberg.com/news/articles/2020-06-01/russia-s-stimulus-seen-falling-short-despite-new-123b-program.

28. Hubei Province Bureau of Statistics. Hubei's economic performance in the first quarter of 2020. 2020. Available from: http://tjj.hubei.gov.cn/tjsj/sjjd1/202004/t20200421_2236918.shtml.

29. National Bureau of Statistics of China. National economy withstood the impact of COVID-19 in the first two months. 2020. Online. Available from: http://www.stats.gov.cn/english/PressRelease/202003/t20200316_1732244.html.

30. Bassier I, Budlender J, Zizzamia R, Jain R. The labour market and poverty impacts of COVID-19 in South Africa. SAJE. 2020; 91(4): 419-445.

31. Lopes C. COVID-19 provides Africa with an opportunity to rethink the role of the state in economic policy. 2020. Online. Available from: https://www.accord.org.za/ana lysis/covid-19-provides-africa-with-an-opportunity-to-rethink-the-role-of-the-state-in-economic-policy/.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.